



زندگینامه

آیت الله حاج میرزا ابوالفضل تهرانی

ناصرالدین انصاری قمی
محقق حوزه علمیه قم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اشاره

از هنگام شهادت امام شهیدان ابی عبدالله الحسین (ع) تاکنون، دل‌های داغدار شیعه، در ماتم و سوگی عظیم فرو رفته است؛ چنانکه همه روز را «عاشورا» و همه جا را «کربلا» می‌بیند. شیعه، با شعار «یا لثارات الحسین» بر لب، چشم به آینده‌ای روشن دوخته و دل، در گرو قیامهای شیعی: زید بن علی، یحیی بن زید، حسین بن علی شهید فخر و دولتهای شیعی فاطمیان، حمدانیان، آل بویه،

ولادت

فقیه محدث رجالی، مورخ ریاضی، ادیب فلکی هیوی، شاعر ماهر اوایل قرن چهاردهم هجری، آیت الله حاج میرزا ابوالفضل تهرانی، در سال ۱۲۷۳ ه. ق، در بیت علم، تقوا و فضیلت زاده شد [تهرانی، نعباء البشر، ج ۱، ۵۳؛ مدرس خیابانی، ریحانة الادب، ج ۳، ۳۷۳].

پدر

والد بزرگوارش، آیت الله العظمی حاج میرزا ابوالقاسم کلانتر تهرانی، ابن میرزا محمد علی بن میرزا هادی نوری، فقیه و اصولی ژرف اندیش و دقیق النظر قرن سیزدهم هجری بود. او در سوم ربیع الثانی ۱۲۳۶ ه. ق در تهران، در خانه میرزا محمد علی - که از تجار شیفته علم و دانش بود - به دنیا آمد. در کودکی، نشانه های هوش سرشار و استعداد فراوان در او نمایان بود؛ چنانکه در ۱۰ سالگی مقدمات را به خوبی می فهمید، و عبارات مشکل را به آسانی می دانست. او در سال ۱۲۴۶ ه. ق به اصفهان رفت و ادبیات را تکمیل کرد، و در ۱۲۴۹ ه. ق به تهران باز آمد. وی در ۱۲۵۱ ه. ق، به عتبات عالیات رفت. اما به علت فقدان اسباب توقف، در سال ۱۲۵۳ ه. ق به تهران بازگشت و در مدرسه مروی ساکن شد. او علوم عقلی و نقلی را نزد مولا عبدالله نوزوی و علامه فقیه شیخ جعفر کرمانشاهی فرا گرفت. او در این زمان، ۲۰ ساله، و به علم و فضل مشهور بود. لذا، علمای پایتخت رفتن به عتبات را برای استفاده بیشتر به او پیشنهاد دادند. او به کربلا رفت، و چند سال در درسهای صاحب ضوابط، آیت الله سید ابراهیم قزوینی، شرکت جست [نامه دانشوران، ج ۲، ۳۶۴؛ تهرانی، کرام البررة، ج ۱، ۱۵۹] و ملازم او شد. اما پس از اینکه در کربلا فتنه، قتل و غارت روی داد، او ناچار به فرار شد. پس، به اصفهان رفت و پس از آرامش فتنه عراق، به نجف کوچید و به درسهای آیت الله العظمی شیخ مرتضی انصاری حاضر شد و در اندک زمان، گوی سبقت از همگنان ربود؛ به طوری که نامش در حوزه نجف اوج گرفت و یکی از ارکان حوزه درسی شیخ و مقرر بحث او شد. شیخ نیز به درجات علم، فضل و اجتهادش، مکرر تصریح نمود. وی در سال ۱۲۷۷ ه. ق به تهران بازگشت و مرجع امور دینی و علمی پایتخت شد. همه روزه، علما و فقها به مجلس درسش در مدرسه مروی حاضر می شدند، و از دانش گسترده اش بهره مند بودند؛ که از آن جمله است: میرزا ابوالفضل کلانتری تهرانی، ملا حبیب الله کاشانی، شیخ فضل الله نوری، شیخ عبدالنبی نوری، سید حسین صدر الحفاظ قمی، شیخ حسنعلی تهرانی و شیخ محمد صادق تهرانی بلور [شریف رازی، اختران فروزان ری و تهران، ۱۲۲۱].

او در اواخر عمر، نابینا شد و در همان روز که به دنیا آمده بود، سوم ربیع الثانی - ۱۲۹۲ ه. ق در ۵۶ سالگی، درگذشت. وی در مقبره شیخ ابوالفتح رازی، در حرم امامزاده واجب التعظیم حضرت عبدالعظیم (ع)، به خاک سپرده شد [تهرانی، کرام البررة، ۱۶۰]. فرزندش در رثای وی، قصیده ای بلند به عربی سرود [نامه دانشوران، ج ۲، ۳۶۵ - ۳۶۸؛ دیوان الطهرانی، ۱۴۶ - ۱۵۴].

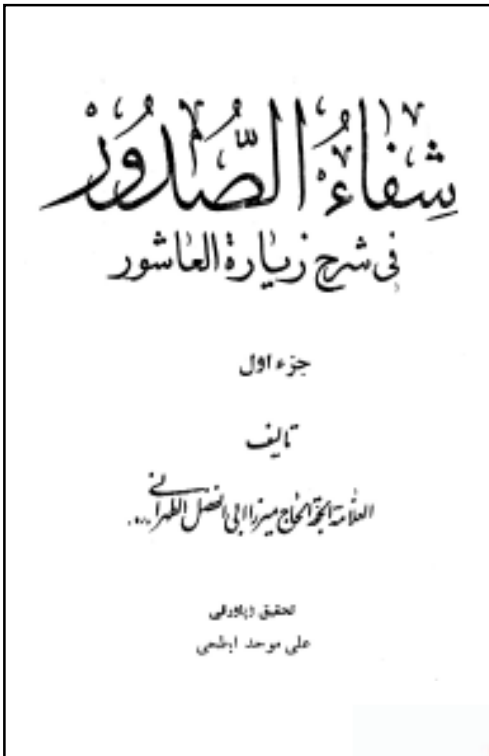
مشهورترین کتابش مطروح الانظار است، که برگرفته از درس اصول - مباحث الفاظ - شیخ انصاری است. موضوعات این



آیت الله حاج میرزا ابوالفضل تهرانی

سربداریان و صفویه نهاد تا تشفی دل حاصل نماید، اما با اینهمه، هنوز پرچم خونریز عاشورا، بر فراز گنبد سالار شهیدان در اهتزاز است و انتظار دولت منتقم آل محمد، مهدی موعود (عج)، رامی برد. امید آنکه انقلاب شکوهمند اسلامی ما و نظام جمهوری اسلامی ایران که از قیام حسینی سر زد، از ماه محرم آغاز شد، از خون شهیدان سیراب گردید و به رهبری عالمی از تبار علویان و فاطمیان و فقیهی بزرگ از سلاله سالار شهیدان، امام خمینی (ره)، به پیش رفت، درآمدی بر دولت حقه و حکومت عدل بقیه الله الاعظم - ارواحنا فداه - و انتقام خونهای به ناحق ریخته شهیدان تاریخ باشد. اینک، شیعه در گذر زمان، عاشورا را از یاد نبرده، همواره در سوک آن روز بزرگ تاریخ کتابها و رساله ها نگاشته، شعرها سروده و منبرها ساخته است. و در طول یک هزار و چهارصد سال، نویسندگان، ادیبان، شاعران و سخنوران فراوان به یاد کرد عاشورا پرداخته، و کتابها و سروده های بسیار در سینه تاریخ به یادگار نهاده اند.

یکی از فقیهان بزرگ شیعه که کتابی بس ارجمند در شرح زیارت عاشورا از خود به یادگار گذاشت و اسم و رسم کربلا و عاشورا را زنده نگاه داشت، مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالفضل کلانتری تهرانی است. اینک در یک صد و پنجاهمین سال ولادتش مقاله ای را به ذکر خدمات، آثار و مآثرش اختصاص داده ایم، و اندکی از آگاهی، تعهد و مسئولیت وی را نمایانده ایم.



کتاب، عبارتند از: صحیح و اعم، اجتماع امر و نهی، اجزاء، مقدمه واجب، ضد، مشتق، عام و خاص، مجمل و مبین، مطلق و مقید، مفهوم و منطوق، حسن و قبح عقلی و شرعی، اجتهاد و تقلید (مدرس خیابانی، ریحانة الادب، ج ۳، ۳۷۳؛ موسوعه مؤلفی الامامیه، ج ۲، ۵۹۰). او بجز اینها، تقریرات درس اصول عملیه شیخ انصاری را نیز نگاشت، که به چاپ نرسیده است. او در موضوعات فقهی هم کتابهای فراوان در: طهارت، نماز، خلل، نماز مسافر، زکات، غصب، وقف، لقطه، رهن، احیای موات، اجاره، قضا و شهادت نگاشت، که آنها هم به چاپ نرسیده است (تهرانی، کرام البریره، ج ۱، ۶۱). و رساله ای هم در ارتث نسخه خطی کتابخانه مدرسه شهید مطهری (سپهسالار)، شماره ۲۴۲۶ و تقریرات درس اصول شیخ جعفر کرمانشاهی [نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۵۳۷ و ۲۲۶] نگاشته است. گروه نویسندگان، اثر آفرینان، ج ۵، ۴۵؛ زرکلی، الاعلام، ج ۶، ۱۸ - ۱۹؛ محدث قمی، الکنی و الالقاب، ج ۱، ۱۳۸؛ واعظ، جنة النعیم، ۵۲۹ - ۵۳۰؛ محدث ارموی، مقدمه دیوان الطهرانی، فب فظ؛ امین عاملی، اعیان الشیعة، ج ۲، ۴۱۳ - ۴۱۴.

تحصیلات

آن دانشی مرد بزرگ، از کودکی آثار علم، فضل و هوش سرشار، در پیشانی بلندش دیده می شد. عبرت نائینی در شرح حال او می نویسد: «عالم عامل، فاضل کامل، فرید دهر و وحید عصر خویش، دربرگیرنده فروع و اصول، و گردآورنده معقول و منقول، حاج میرزا ابوالفضل تهرانی، ولادت باسعادتش در سنه ۱۲۷۳ هجری بود، از ابتدای عمر، در خدمت والد ماجد خود مشغول تحصیل علوم عربیه و فنون ادبیه بود. و به سبب کمال فهم و فراست و هوش و ذکاوت و عقل و درایت، در اندک زمانی در کلیه علوم ادبیه کامل [شد] و از جهت کمال قوت حافظه، و اینکه هر قصیده ای را که یک مرتبه خواندی یا شنیدی «کالتش فی الحجر» در ضمیر منیرش ثابت و راسخ می بودی، غالب اشعار عرب و عجم را محفوظ می بود؛ به طوری که سرآمد اهل عصر خود گردید. چنانکه شهادت می دهد بر این امر، تصنیفاتی که قبل از رسیدن به حد بلوغ و بعد از آن به اندک زمانی فرموده، از آن جمله کتاب: صدح الحماة، منظومه در علم صرف، منظومه در علم نحو و دیوان قصائد و غزلیات می باشد. و پس از رحلت والد ماجدشان، غالب اوقات در خدمت فقیهین زمان و وحیدین دوران: السید السند آقا سید محمد صادق طباطبائی و العلم المعتمد آقا میرزا عبدالرحیم نیاوندی - نورالله مرقدهما - مشغول تحصیل فقه و اصول، و در خدمت حکیمین عصر و فریدین دهر السید الاجل آقا میرزا ابوالحسن جلوه و العلم الاجل آقا میرزا محمد رضا قمشه ای - طیب الله تربتهما - مشغول تکمیل عرفان و معقول بود...» [مصاحبه نائینی، تذکره مدینه الادب؛ محدث ارموی، مقدمه دیوان تهرانی، کج].

مهاجرت به نجف

معظم له، در سال ۱۳۰۰ق، رهسپار عتبات عالیات شد، و در نجف اشرف منزل گزید. عبرت نائینی می نویسد: «در سال ۱۳۰۰ هجری، تصمیم مهاجرت به عتبات عالیات، برای تحصیل علوم و تکمیل درجات فرمود، در حالی که مراتب علم و فضلش گوشزدانام و مورد اعتراف خاص و عام بود. چنانکه دوستان آن مرحوم، متواتراً برای این بنده نقل کردند که مرحوم حجت الاسلام حاج ملا علی کنی - اعلی الله مقامه - مکرر می فرمودند: «فلانی در هر علم کامل و به مرتبه اجتهاد نائل است و مهاجرت به عتبات برای این مقصود، وی را لازم نیست». و گواهی می دهد بر گفتار آن بزرگوار، تصانیف آن یگانه روزگار در آن اوقات و ادوار... علی الجملة چون به سرزمین وادی السلام، که معدن علم و مسکن علمای اعلام است در رسید و به تقبیل عتبه حضرت شاه اولیا - علیه التحية و الثنا - فائز گردید، خود را در زمره تلامذه مرحوم مبرور آیت الله حاج میرزا حبیب الله رشتی - اعلی الله مقامه - متحرط نمود. و آن بزرگوار کراراً تصریح به مقام اجتهاد وی فرمود.»

هجرت به سامراء

پس از چند ماه توقف وی، خبر ورودش به سمع حجت الاسلام والمسلمین آیت الله فی الارضین الحاج میرزا محمد حسن الحسینی الشیرازی - طاب ثراه - رسیده، مرحوم آقا سید محمد لواسانی را برای دعوت وی به سامراء، به نجف اشرف فرستاد. و چون آن مرحوم بدان مکان شریف مشرف گردید، به هر وسیله که ممکن بود، آن وجود محترم و مرحوم مبرور فحل محقق السید السند المبرء من کل شین، آقا میرزا سید

کتابخانه

وی در سامرا، کتابخانه ای عظیم و مشحون از نفایس مخطوطات و کتابهای چاپی فراهم آورده بود، که از ملاحظه نام مصادر کتاب شرح زیارت عاشورا، این گفتار روشن می شود. پس از وفاتش، این کتابخانه به فرزندش، آیت الله میرزا محمد تقی تهرانی، رسید. حاج میرزا محمد تقی از مادرش نقل می کرد: «مرحوم علامه تهرانی در سامراء برای خرید کتاب، لباسهایش را گرو می گذاشت و گاه بدون عبا به منزل می آمد. وقتی که از او می پرسیدم: عبایتان چه شد؟ می فرمود: عبایم را فروختم و با پول آن، این کتاب را خریدم. مرحوم علامه حاج سید نصرالله تقوی فرموده است: روزی در سامراء به دیدن وی رفتم. دیدم او به تنهایی نشسته و با دیده دقت به دو کتاب می نگرد پرسیدم: این دو کتاب چیست؟ گفت: تمام کشف الغمة علی بن عیسی اربلی است، که دیروز آنها را خریدم. و آنها را به من داد و فرمود: آیا مانند آنها را دیده ای؟ وقتی آنها را دیدم، کتابی را در نهایت صحت و درستی و خوش خطی و پاکیزگی و تذهیب متن و حاشیه، و زیبایی جلد و جدول مشاهده کردم. گفتم: آقا آنها را به چند خریده اید؟ فرمود: به دویست تومان (که در آن زمان مبلغی فوق العاده گران به شمار می رفت) و به کم شدن مقداری از دوستی و محبت محدث نوری نسبت به من. چون جناب ایشان پیش از من، برای خرید این کتاب رفته بود، و قیمت را هم معین کرده بودند و به دنبال



علامه میرزا سیدابوالحسن جلوه از اساتید آیت الله میرزا ابوالفضل تهرانی

حسین (صدرالحفاظ) قدس سره العزیز - را که از تهران با وی رفیق و همراه [بود] و از یکدیگر منفک نمی شدند، به سامره سوق داد. و آن دو بزرگوار، قریب ده سال، در یک منزل ساکن و در خدمت حجت الاسلام شیرازی مشغول تلمذ بودند و با یکدیگر و با مرحومین مغفورین ملاذی الاسلام والمسلمین آقا میرزا محمد تقی شیرازی و آقا سید محمد اصفهانی [فشارکی] - رفع الله مقامهما - مباحثه اجتماعی داشتند. و در این عشره کامله، آن مرحوم به تحصیل و تکمیل علوم و السنه مختلفه، از قبیل: عبرانی و سریانی، و تصنیف کتب و ترتیب صحف به اجازه شیخ فقیه محدث الشیخ محمد حسین الکاظمی - طیب الله رمسه - داشت؛ حتی بلغ من العلم ما بلغ [مصاحبی نائینی، تذکره مدینه الادب؛ محدث ارموی، مقدمه دیوان تهرانی، ل].

موقعیت علمی

وی، همزمان دانش رجال و حدیث را هم از محدث عظیم الشان حاج میرزا حسین نوری فرا گرفت [تهرانی، نقباء البشر، ۵۴] او در سامراء، از جمله فقیهان، ادیبان و شاعران چیره دست و توانا به شمار می رفت. شعر عربی اش، در محافل ادبی عرب، جایگاه ویژه ای داشت؛ به گونه ای که شاعر بزرگ و ادیب سترگ، سید حیدر حلی، از هماوردی او ناتوان شد و قصیده ای در مدح او سرود که در دیوانش ثبت است [تهرانی، نقباء البشر، ج ۱، ۵۴؛ محدث ارموی، مقدمه دیوان تهرانی، سب و سجع].

محدث ارموی حکایتی را از استادش، حاج شیخ محمد غروی قوچانی، نقل کرد، که بیانگر عظمت مقام علمی میرزا ابوالفضل تهرانی و اوج مکانت او در نزد میرزای شیرازی است. وی می نویسد: «استادم از یکی از عالمان مورد اعتمادش نقل کرد که هنگامی که آوازه زعامت و ریاست و مرجعیت میرزای شیرازی - اعلی الله مقامه - در همه کشورهای اسلامی طنین افکن شد، حاکم سیاسی عراق، برای پایین آوردن موقعیت و میزان قدر میرزای شیرازی، یکی از مشاهیر علمای زمانش را بر آن داشت تا به سامرا رود و پس از دیدار میرزا، در حضور جمع فضلا و مردم، از آن جناب پرسشهای ادبی و نحوی و اشعار گوناگون بنماید، تا میرزا در پاسخ بماند و قدر و قیمت ایشان در انظار عمومی مردم پایین آید. آن مرد به سامرا آمد و در محضر میرزا - که آکنده از فضلا و دانشمندان بود - به طرح پرسشهای گوناگون پرداخت؛ بدان امید که احدی را یارای پاسخگویی وی نیست. میرزای شیرازی به میرزا ابوالفضل تهرانی اشاره کرد تا جوابش را بدهد، لذا، هر قصیده ای که آن مرد عالم مطلعش را خواند، میرزا ابوالفضل از اول تا آخرش را خواند و هر قاعده ادبی را که او مطرح کرد، علامه تهرانی حد و رسم و موافق و مخالفش، و ایرادات و پاسخهای آنها و مختار در آن باب را ذکر نمود؛ به گونه ای که دهان همگان از شگفتی بازماند و لرزه بر اندام آن مرد عالم افتاد. و همگان دانستند که او، هماورد علامه میرزا ابوالفضل تهرانی نیست. و این، سبب عظمت مقام میرزای شیرازی گردید (چون علامه تهرانی چنان وانمود کرد که تمام علمش، قطره ای از دریای دانش میرزا است) [محدث ارموی، مقدمه دیوان الطهرانی،، س - سا].



آیت الله حاج میرزا محمد تقی تهرانی فرزند آیت الله میرزا ابوالفضل تهرانی؛ ابوالزوجه حضرت امام خمینی (ره)

علامه رجالی میرزا محمد علی مدرس خیابانی هم می نویسد: «حاج میرزا ابوالفضل، عالمی است فاضل کامل، ادیب اریب، شاعر ماهر، فقیه اصولی، حکیم کلامی، ریاضی رجالی که از تواریخ و سیر و تراجم احوال علما نیز با خبر و مستحضر، و بسیار نیکو محضر بوده...» [مدرس خیابانی، ریحانة الادب، ج ۳، ۳۷۳].

سفر حج

میرزا ابوالفضل تهرانی در سال ۱۳۰۶ ه. ق. به همراه حاج سید محمد صراف تهرانی رهسپار حج بیت الله الحرام شد، و پس از ادای فریضه حج، بار دیگر به سامرا بازگشت و چند سالی از درس میرزای شیرازی بهره برد. اما پس از آنکه توقف بیش از آن را به حال خود پرفایده ندید، رهسپار ایران شد [عبرت نائینی، تذکره مدینه الادب؛ محدث ارموی، مقدمه دیوان، ل.ا].

استادان

از آنچه گفته شد، بر می آید که استادان آن مرد بزرگ، به ترتیب تحصیل عبارتند از آیات عظام:

۱. حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری نوری تهرانی (۱۲۳۶ - ۱۲۹۲ ه. ق.)، صاحب مطرح الانظار
۲. حاج شیخ عبدالرحیم نهاوندی (د. ۱۳۰۴ ه. ق.)، از شاگردان صاحب جواهر و شیخ انصاری
۳. حاج سید محمد صادق طباطبائی تهرانی (د. ۱۳۰۰ ه. ق.)،

تهیه پول بود که من آن را خریدم. با اینکه می دانم این کار من، ارزش مرا نزد محدث نوری کاهش می دهد [محدث ارموی، مقدمه دیوان الطهرانی، عز].

اما موقعیت علمی و مکانت دانش و فضل وی بدان حد بود، که محدث نوری به او کمال علاقه، انس و محبت را داشت؛ به طوری که کتاب نجم الثاقب خویش را به علامه تهرانی داد تا بر آن تقریظی بنویسد. و این تقریظ را هم، در آغاز کتاب به چاپ رسانید.

مدح علامه تهرانی

وی در سامرا، مورد مدح و ستایش گروه بسیاری از شعرای عرب، مانند: علامه سید حیدر حلی، علامه سید سعید حبیبی نجفی و سید ابراهیم طباطبائی بحر العلوم قرار گرفت، که اشعار ایشان در مقدمه دیوانش گرد آمده است [محدث ارموی، مقدمه دیوان الطهرانی، سب - ست]؛ همچنانکه او در تهران، مورد تجلیل شعرای وقت مانند: حسینقلی خان کلهر سلطانی، سید محمد بقایی اصفهانی، حاج حسینعلی خان وفای نوری، شیخ آقا بزرگ و علامه شیخ محمود معرب تهرانی قرار گرفت [محدث ارموی، مقدمه دیوان الطهرانی، سط - عوا]. نیز، معظم له در کتابهایی مانند: نامه دانشوران ناصری [ج ۲، ۳۶۴]، جنة النعیم و ناسخ التواریخ عباسقلی خان سپهر، مورد مدح جلیل قرار گرفته است:

حاج ملا باقر کجوری تهرانی، در جنة النعیم می نویسد: «مرجع شریعت، برگزیده فضلا و پیشوای ادکیاء، چشم فضل و دریای ادب، حلال مشکلات و کشاف معضلات از لغات عرب و عجم، پرچم اصحاب هدایت و امید صاحبان درایت، مولانا النبیل الجلیل آقا میرزا ابوالفضل، که حق آن است که زبان هر زبان آور، در مدح و مدیحتش، و از سرعت انتقال و چیرگی و تبحر و افادتش الکن و قاصر است... او بهار فضل و آسمان افضال، ناموس سلف و راهبر خلف [است]...» [کجوری تهرانی، جنة النعیم، آخر کتاب، ۵۴۳].

مورخ ادیب شهیر عباسقلی خان سپهر در ناسخ التواریخ جلد مربوط به امام سجاد (ع) هم می نویسد: «این تقریظی است که جناب مستطاب، افتخار علمای بزرگ، ذخیره فقهای بزرگوار، گنجینه لیالی و ایام، نادره اعصار و اعوام، پناه خاص و عام، حجة الاسلام، دریای آکنده دانش و جوهر علم جلی، کامل لودعی، حاوی معقول و منقول و جامع فروع و اصول، فخر الحاج و نیل المحتاج حاج میرزا ابوالفضل تهرانی بر این کتاب نگاشته... بدان! این فاضل قعقماق و علامه نحریر دانشمند از ذخایر ایام و نفائس اعوام و صاحبان فنون فضائل و ادب و مورد قبول علمای عجم و عرب، به شمار می رفت. وی دارای فهم عمیم و ذوق سلیم و طبع کریم، و سلیقه مستقیمه بود. و دوستی تام و تمام نسبت به خاندان پاک پیامبر اکرم داشت، و نزد علمای ملت و امنای دولت و عموم مردم افتخار و اعتبار فراوان داشت و سالیان فراوان تدریس مدرسه مبارکه ناصریه و امامت جماعت و وعظ و ارشاد آن مکان مبارک بلو مفوض بود...» [سپهر، ناسخ التواریخ امام سجاد].

دولت و اعیان ملت گردید. و بدین سبب، بعضی از علمای معاصرش بروی حسد برده، آتی از ایذاء و اذیت وی غفلت نداشتند. . .» [مصاحبی نائینی، تذکره مدینه الادب؛ محدث ارموی، مقدمه دیوان الطهرانی، ل و لا]

شاگردان

حاج میرزا ابوالفضل تهرانی در تهران، از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۶ ه. ق، به تدریس فقه، اصول، حدیث و رجال اشتغال داشت. گروه بسیاری، از شاگردان او به شمار می رفتند، که از آنجمله است:

۱. علامه فقیه حاج سید نصرالله تقوی - احتمالاً (۱۲۸۲ - ۱۳۵۷ ه. ق)، صاحب هنجار گفتار و عصای موسی و ترجمه اشارات
۲. مورخ و ادیب سترگ عباسقلیخان سپهر (د. ۱۳۴۵ ه. ق)، صاحب ناسخ التواریخ که میرزا بر مجلد امام سجاد (ع) و حضرت زینب این کتاب، تقریظ نگاشته است.

۳. علامه فقیه فیلسوف میرزا طاهر تنکابنی (۱۲۸۲ - ۱۳۶۰ ه. ق)؛ او خود برای فرزند معظم له، آیت الله حاج میرزا محمد ثقفی تهرانی، گفت: «نخستین بار که پدرت، حاج میرزا ابوالفضل - رحمة الله علیه - را ملاقات کردم، بدو گفتم: من مسئله ای صرفی، نحوی، منطقی، کلامی، فقهی، اصولی، حکمی و عرفانی دارم. آیا اجازه می دهید از شما پرسش نمایم؟ فرمود: بلی! هر چه می خواهی بپرس. پس، بعد از طرح مسئله، هر فنی از فنون علم و دانش را چنان برایم توضیح داد، که من از حسن بیان و حضور جواب و جامعیت علمی اش در شگفت ماندم، و بر استفاده از محضرش، عزم را جزم و شاگردی اش را اختیار کردم» [محدث ارموی، مقدمه دیوان الطهرانی، سا].

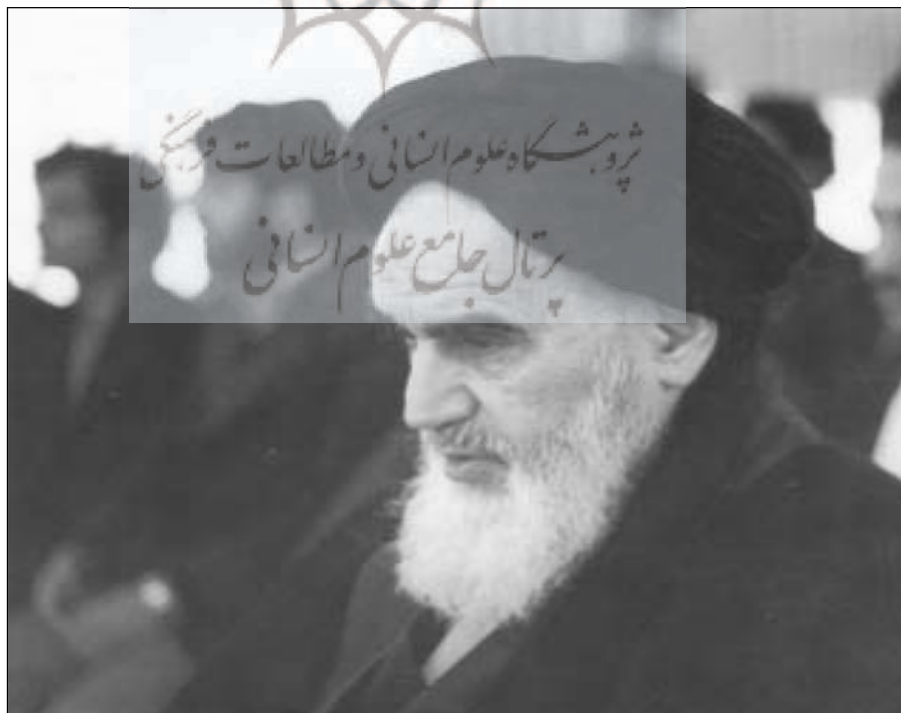
آقا سید محمد جمارانی هم گفت: «میرزا طاهر تنکابنی، به جامعیت علمی هیچ یک از علمای معاصرش، بجز میرزا ابوالفضل تهرانی، اذعان نداشت و تنها جامعیت و تبحر علمی علامه تهرانی

نوه سید مجاهد و شاگرد صاحب فصول

۴. آقا محمد رضا صهبای قمشه ای (د. محرم ۱۳۰۶ ه. ق)، صاحب دیوان شعر و فرق بین اسماء ذات و صفات
۵. میرزا سید ابوالحسن طباطبائی جلوه زواره ای (د. ۱۳۱۳ ه. ق)، صاحب حاشیه بر اسفار
۶. آیت الله میرزا حبیب الله رشتی (د. جمادی الثانی ۱۳۱۲ ه. ق)، صاحب بدایع الاصول و کتاب قضا و شهادت
۷. آیت الله میرزا محمد حسن حسینی شیرازی (۱۲۳۰ - ۱۳۱۲ ه. ق)، رهبر نهضت ضد استعماری تحریم تنباکو
۸. خاتم المحدثین حاج میرزا حسین نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ه. ق)، صاحب مستدرک الوسائل و نجم الثاقب

بازگشت به ایران

عبرت نائینی می نویسد: «حاج میرزا ابوالفضل در اواخر سال ۱۳۰۹ ه. ق، بر حسب خواهش جمعی از دوستان رهسپار تهران شد، و در اواسط محرم ۱۳۱۰ ه. ق به زادگاهش وارد، و مشغول تدریس علوم گوناگون، حکومت شرعیه، اقامه جماعت و انشاء مواظ گردید. و چون خبر ورود وی به گوش ناصر الدین شاه رسید. به صدور دستخط، کلیه امورات مدرسه جدید البنای ناصری را به وی مفوض داشت. و آن بزرگوار، بقیه تعمیرات مدرسه را در همان سال صدور دستخط - ۱۳۱۳ ه. ق - به اتمام رسانید و تا آخر عمر در آن مدرسه و مسجد، اشتغال به تدریس علوم و اقامه جماعت و نشر مواظ و حکم داشت. و تندنویسان صورت منابر وی را می نوشتند، و برای خود ذخیره می کردند. و به سبب ظهور و بروز مراتب علم و درجات تقوا، و طلاقت لسان و فصاحت بیان، و حلاوت محضر و ملاحه منبر، و حسن اخلاق، جاذب قلوب عامه خلائق، خصوصاً اهل فضل و دانش از ارکان



حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران



آیت الله شهید حاج سید مصطفی خمینی

را می ستود [محدث ارموی، مقدمه دیوان الطهرانی، سا].
 ۴. عالم جلیل و فاضل نبیل شیخ آقا بزرگ ساوجی تهرانی؛
 او دیوان میرزا را مرتب و مدون نمود، و به خط خوش خود
 نگاشت.

تألیفات

از آن عالم بزرگ، در فنون گوناگون، تألیفاتی برجای مانده، که
 هر یک شاهد صدق اوج فضل و بلندای علم و دانش او است.
 براستی عالمی بدین سن کوتاه، چگونه توانست اینهمه تألیفات از
 خود به یادگار گذارد که تا جهان علم باقی است، نام آنها در ردیف
 کتب برجسته علمی عالم شیعه خواهد درخشید؟ این نبود، مگر به
 خاطر نبوغ و استعداد شگرف و خارق العاده او. ما در اینجا
 تألیفات وی را به دو دسته: پیش از بلوغ و آغاز جوانی، و دوران
 جوانی تقسیم می نماییم و آنها را ذکر می کنیم:
 الف: تألیفات پیش از بلوغ (اوایل جوانی)

۱. صدح الحمامة فی احوال والدی العلامة تهرانی، الذریعه،
 ج ۱۵، ۲۷: این کتاب، شرح حال مفصل پدر بزرگوارش، آیت الله
 میرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی و به سبک مقامات حریری - از
 نظر روش و اسلوب بود، که با تقریظ منظوم علامه شیخ محمود
 معرب تهرانی به چاپ رسید. برخی از آن ابیات، چنین است:
 یا اباالفضل و الفضائل جمعاً لک منهن طارف و تلیسد
 ان اولی الانام بالفضل قرباً من له الفضل والد و ولید
 یا اباالفضل نعم شعرک عود یا اباالفضل یوم أسک عید
 او انت العمید بی و المعنی لا و عمری انا المعنی و العمید
۲. منظومه در علم صرف، به نام قلائد الدرر فی نظم اللؤلؤ
 المنتثر، این اثر، ۶ هزار بیت بوده که در ۱۴ سالگی، مطالب شافیه
 ابن حاجب را همراه با تحقیقات دقیق و عمیق خود، به رشته نظم
 در آورده است [تهرانی، الذریعه، ج ۱۷، ۱۶۲].
۳. منظومه در علم نحو، که شرح الفیه ابن مالک تا باب «حال»
 می باشد.

۴. منظومه در علم منطق به نام مرقاة الانظار و مرآة الافکار
 [تهرانی، الذریعه، ج ۲۰، ۳۱۲].

۵. منظومه در علم اصول فقه
 ۶. الرسالة العشقیة: این کتاب شرح یک مسئله عشقی عرفانی،
 و تألیف تام، لطیف، بکر و بدیع بوده که پیش از شاگردی نزد عرفا
 و حکمای تهران، آن را نگاشته و هم اکنون نسخه آن به خط عبرت
 نائینی موجود است [محدث، ارموی، مقدمه دیوان الطهرانی، لدا].

ب: تألیفات جوانی

۷. دیوان اشعار: میرزا ابوالفضل تهرانی، خداوندگار سخن،
 پروردگار شعر و ادب و آموزگار نظم عرب و عجم بود. دیوان
 شعر او، دریایی از معانی ابکار و مضامین و اشعار آبدار است و به
 حق، همچون ستاره ای درخشان، در دواوین شعر شیعه می درخشد.

او با اینکه شعر را سرگرمی خود می داند و به آن نمی بالد و آن
 را سرمایه قیمتی و مایه عز و افتخار نمی شمارد، اما دیوان او بیننده
 را به شگفتی وا می دارد، و این سؤال را در پیش روی او می آورد که
 آیا این اشعار، گفتار یک جوان عجم تهرانی است که چنین به
 عربی فصیح و شعر ملیح سروده است؟ هنگامی که علامه ادیب
 سید ابراهیم طباطبائی بحر العلوم، شاعر بزرگ نجف، مطلع شعر
 او را شنید که سرود:

صنم کلما یزاد اختیارا لم یزل وجهه یزاد اختیارا
 از روی شگفتی و ناتوانی، برخاست و نشست و گفت: این صنم،
 سزاوار است که انسان برایش سجده کند؛ همان گونه که سزااست
 برای این بیت، انسان سجده نماید [محدث ارموی، مقدمه دیوان الطهرانی،
 سطا].

شاعر بزرگ عراق سید حیدر حلی، از هموردی و رقابت با
 او ناتوان شد، و شعری در مدحش سرود [حلی، دیوان شعر، ۲۰۳؛
 محدث ارموی، مقدمه دیوان الطهرانی، سب - سج]:

یا اباالفضل کلما قلت شعرا فیه اودعت من بیانک سحرأ
 و اذما بعثت غائص فکسر فی بحورالفریض ابرزت درأ
 کم تعاطیت غایة جئت فیها فارس الحلبتین نظماً و نثرأ
 لک حسر من النظام رقیق و رقیق النظام ما کان حرأ

هر کس از شعرای عرب و عجم شعر او را دید، بی اختیار
 زبان به مدح و ثنایش گشود و در مدحش اشعار فراوان سرود؛
 که این مقاله کوتاه، گنجایش ذکر آنها را ندارد [محدث ارموی، مقدمه
 دیوان الطهرانی، سب - عوا]. این کتاب، از روی نسخه ای که به خط
 زیبای شیخ آقا بزرگ ساوجی نگاشته شده بود، به اهتمام فقید علم
 مرحوم استاد سید جلال الدین محدث ارموی (ره)، در سال
 ۱۳۶۹ هـ. ق، در ۴۰۶ صفحه، همراه با مقدمه ای طولانی و
 خواندنی، به چاپ رسید [تهرانی، الذریعه، ج ۹، ۴۷].

است (۱۴۷-۱۶۷)، اختصاص لقب امیرالمؤمنین به علی(ع) (۱۶۸-۱۹۵)، سید الوصیین (۱۹۷-۲۰۹)، فاطمه الزهرا (۲۰۹-۲۲۵)، عدد شهیدان کربلا و نام آنها (۲۴۱-۲۵۳)، بزرگی مصیبت امام حسین (۲۵۸-۲۶۷)، تأسیس پایه های ظلم بر اهل بیت (۲۶۹-۲۸۸)، نقد عدالت صحابه (۲۸۸-۲۹۳)، تولا و تیرا (۳۰۵)، دشمنان اهل بیت کافر هستند (۳۰۹)، زیاد بن ابیه (۳۱۱-۳۱۸)، آل مروان (۳۱۹-۳۲۸)، بنی امیه (۳۲۹-۳۶۸)، ابن زیاد (۳۶۸-۳۷۰)، عمر بن سعد (۳۷۰-۴۰۴)، سایر امتیازات (۴۰۵-۴۰۹) و حد حایر حسینی (۴۱۱-۴۱۷).



حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی

برخی از عناوین جلد دوم، عبارتند از: خونخواهی حضرت سید الشهداء (۳-۶)، تفسیر و فایده صلوات (۸-۱۶)، نبی از صلوات مقطوع (۱۶-۱۸)، عامه، پیروی از بنی امیه می کنند (۱۷-۲۳)، آل محمد چه کسانی هستند؟ (۲۴-۲۶)، عوالم سه گانه (۲۶-۲۸)، ناصبی کیست؟ (۳۳-۳۶) امامت و ولایت و ارکان آن (۳۹-۴۵)، معرفت و مراتب ائمه (۴۸-۵۲)، مقام محمود (۵۵-۶۰)، امام مهدی (۷۱-۷۹)، مصیبت امام حسین (۹۵-۱۲۷)، ولایت اهل بیت (۱۳۲-۱۴۲)، تبرک بنی امیه به روز عاشورا (۱۴۳-۱۷۰)، هند مادر معاویه (۱۷۲-۱۷۸)، ابوسفیان (۱۷۸-۱۹۳)، معاویه (۱۹۳-۲۱۹)، یزید (۲۲۰-۲۴۲)، منع غزالی از لعن بر یزید و نقد بر او (۲۳۷-۲۴۸)، احوال غزالی (۲۵۰-۲۵۴)، عامه، عدالت را شرط خلافت نمی دانند و تحقیق در آن (۲۵۷-۲۵۸)، دوازده

۸. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور: این کتاب ارزنده و گرانسنگ، بهترین، برترین و کاملترین شرح زیارت عاشورا بوده، و گواه روشنی بر اوج مقام علمی مؤلف و تبحرش در تمام علوم عقلی و نقلی اسلامی است. مؤلف بزرگوار، این کتاب را سرشار از فواید گوناگون کلامی، تفسیری، حدیثی، تاریخی، لغوی، ادبی، فقهی و رجالی ساخت با نهایت دقت و ژرف نگری مطالب را پیگیری کرد، و مدعای خویش را به اثبات رساند. او در این کتاب، به بحث با استادان فن برخاست، بسیاری از خطاهای ایشان را روشن ساخت و یکایک کلمات زیارت عاشورا را بررسی کرد. او با استفاده از صدها کتاب شیعه و سنی - که نشانگر غنای کتابخانه او است و بسیاری از آنها هنوز هم به چاپ نرسیده اند - مطالب زیارت را شرح کرد. وی، این کتاب شامخ و بلند مرتبه را در عصر روز عاشورای ۱۳۰۹ ه. ق، در سامرا به پایان رسانید. و ماده تاریخ انجام کتاب، همان عنوان آن است (شرح زیارت عاشورا ۱۳۰۹) [تهران، الذریعه، ج ۱۴، ۲۰۴]. مؤلف در این باره گفته است: هاک مجموعه حوت کل معنی من معانی زیاره العاشور و اذا تم جمعها قلت اَرخ «بالشرح مجد شفاء الصدور»

این کتاب، بارها در بمبئی، تهران (تحقیق، سید ابراهیم شبیری زنجانی) و قم (تحقیق سید علی موحد ابطحی اصفهانی) به چاپ رسید و مورد اعتنا و اعتماد محدثان و مورخانمانند: حاج میرزا محمد ارباب قمی در اربعین الحسینیه و حاج شیخ عباس قمی در منتهی الامال هم قرار گرفت.

آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی در تقریظ بر این کتاب می نویسد: «بسم الله الرحمن الرحيم، کتاب شریف شفاء الصدور، الحق کتابی است در نهایت خوبی و تمامیت و متانت، و جامع بین مراتب تحقیق و تتبع، و محیط به ذکر انواع فضائل و معارف برای اصناف و طبقات مردم نافع و ممتع، در باب خود بی نظیر. شایسته است که عموم خوانندگان به آن رجوع نموده و از تأمل در مباحث او تصحیح عقاید و رفع مشکلات نمایند. امید که خداوند اقدس - جل ذکرة - هر که را در این امر دخیلی یا معاونتی بوده، به هر وجه که باشد، با جناب خامس آل عبا - علیه و علی جده و ابیه و امه و اخیه و الطاهرین من ذریته افضل الصلاة و السلام - که وضع این کتاب به جهت احیای امر و اعلائی کلمه آن جناب است، محشور فرماید؛ بمحمد و آله الطاهرین، صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین: حرره الاحقر محمد حسن الحسینی».

این کتاب، در دو جلد (۴۴۰+۴۱۵ ص)، در سال ۱۳۶۸، در قم با تعلیقات و تکمله سید علی موحد ابطحی به چاپ رسید. و بار دیگر، نیازمند چاپی منقح و بی غلط، همراه با فهرس متعدد می باشد.

برخی از عناوین جلد اول کتاب، عبارتند از: شرح سند و متن زیارت عاشورا (۳۰-۴۲)، شرح حال راویان زیارت و اعتبار آن (۶۴-۷۳)، کیفیت قرائت آن (۷۹-۱۰۰)، فواید ۱۲ گانه گوناگون درباره قرائت، اختلاف نسخ، لفظ عاشورا، حدیث قدسی بودن آن، آثار و برکات زیارت عاشورا (۱۰۱-۱۲۵)، سلام (۱۲۸-۱۳۸)، ابا عبدالله (۱۳۹-۱۴۷)، امام حسین، فرزند پیامبر

[۶۷].

۱۳. حاشیه رجال نجاشی [تهرانی، الذریعه، ج ۶، ۸۸].
 ۱۴. حاشیه اصفار [گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الامامیه، ج ۲،

[۲۵۴]

۱۵. حاشیه رسائل [گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الامامیه، ج ۲،

[۲۵۴].

۱۶. حاشیه مکاسب [تهرانی، الذریعه، ج ۶، ۲۱۶].
 ۱۷. میزان الفلک: منظومه ای است در علم هیئت و

نجوم [تهرانی، الذریعه، ج ۲۳، ۳۱۶].

۱۸. منیة البصیر فی بیان کیفیة الغدیر [محدث ارموی، مقدمه

دیوان]

۱۹. تراجم العلماء [امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۲، ۴۷۵]

۲۰. تنقیح المقالة فی تحقیق الدلالة: رساله ای است درباره

بحث دلالت در منطق و اصول فقه [تهرانی، الذریعه، ج ۲۶، ۲۳۹].

۲۱. تقریرات درس فقه میرزای شیرازی [تهرانی، الذریعه، ج ۴،

[۴۳۵]

۲۲. تقریرات درس اصول میرزای شیرازی [تهرانی، الذریعه، ج ۴،

۴۳۵. محدث ارموی، مقدمه دیوان، لدوله؛ تهرانی، مصفی المقال، ۳۴؛ امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۲، ۴۷۵؛ تهرانی، نقباء البشر، ۵۴؛ مدرس خیابانی،

ریحانة الادب، ج ۳، ۳۷۴]

بازماندگان

از آن فقیه بزرگ و ادیب سترگ فرزند برومندی بر جای ماند

که راه پدر بزرگوارش را بخوبی ادامه داد، و نسل پربرکت او

تاکنون آباد است.

فرزند برومند وی، آیت الله حاج میرزا محمد ثقفی تهرانی

است. او از مفاخر علمای معاصر تهران و امام مسجد پامنار

بود، که در سال ۱۳۱۳ ه. ق به دنیا آمد و ادبیات و سطوح را

نزد آقامیرزا کوچک و شیخ آقا بزرگ اخوان ساوجی فرا

گرفت. وی در سال ۱۳۱۴ ه. ق، به حوزه علمیه قم مهاجرت

کرد و در مدت ۷ سال اقامتش در آنجا، حکمت و فلسفه را

نزد آیت الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، و فقه و اصول را از

محضر آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و

آیت الله شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی بیاموخت و

به درجه اجتهاد نایل آمد و از آنان اجازه اجتهاد و روایت دریافت

کرد.

او ادیبی چیره دست، و فقیهی توانا بود. تفسیر فارسی اش،

بسیار معروف است. تألیفات وی عبارتند از [شریف رازی، گنجینه،

دانشمندان، ج ۳، ۴۱۲-۴۱۳]

۱. تفسیر روان جاوید (۵ج و چاپی)

۲. غرر العوائد؛ حاشیه بر درر الفوائد مرحوم آیت الله حایری

(چاپی)

۳. حاشیه بر منظومه

۴. حاشیه بر سیوطی

۵. تقریرات درس نکاح آیت الله حایری

۶. دیوان شعر

۷. رساله در عدم جواز رجوع به حکام جور

خلیفه پس از پیامبر (۲۵۹-۲۶۱). اعتقاد عامه در دوازده خلیفه پس از پیامبر (۲۶۲-۲۶۸)، بنی امیه، عاشورا را روز خوشحالی قرار دادند (۲۶۹-۲۸۰)، عزاداری شیعیان و احکام و شعائر آن (۲۸۰-۳۰۴)، مذمت دروغ و غنا در مرثی (۳۰۴-۳۰۷)، شرح دعای لعن و سلام (۳۰۹-۳۱۲)، اولین ظالم بر اهل بیت (۳۱۶-۳۲۴)، رساله خوارزمی در مظالم بنی امیه و بنی عباس بر اهل بیت (۳۲۵-۳۳۷)، علی اکبر (۳۴۵-۳۵۵)، فرزندان دیگر امام حسین (۳۵۵-۳۵۹)، اصحاب امام حسین و عظمت آنان (۳۶۰-۳۶۳)، اولین و دومین و سومین و چهارمین ظالم (۳۶۶-۳۷۸)، چند آیه و تأویل آنها به اهل بیت و دشمنان آنان (۳۸۱-۳۸۴)، حمد و شکر (۳۸۶-۳۸۷)، رضایت اولیای خدا به قضای الهی (۳۸۷-۳۹۱)، و شرح دعای صفوان (۳۹۵-۴۱۶).

۹. اجوبة المسائل المشکلة، پاسخ استدلالی تفصیلی به پرسشهایی که از میرزای شیرازی شده است.

۱۰. الاصابة فی من اجمعة علیه الاصابة [تهرانی، مصفی المقال، ۳۴]؛ نسخه خطی آن، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، همراه با تعلیقات مؤلف به نام نقاوة الاصابة، به شماره ۳۸۱۲ در ۴۴ صفحه موجود است.

۱۱. تمیمة المحدث؛ منظومه ای است در علم درایة [تهرانی، الذریعه، ج ۴، ۴۳۵].

۱۲. الدرالفتیق: کتابی در علم رجال است [تهرانی، الذریعه، ج ۸،





حضرت امام و فرزندان حاج سید مصطفی و سید احمد خمینی

وی ، ابوالزوجه رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی(ره) بود. و آیت الله حاج سید مصطفی خمینی و حجت الاسلام حاج سید احمد خمینی - قدس اسرارهم - نوادگان دختری اش به شمار بودند.

اینک حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن ثقفی ، از مؤلفان و ائمه جماعات تهران، که به جای پدرش، نماز می گزارد، یادگار وی است. او در تابستان ۱۳۶۴ ه. ش / ۱۴۰۶ ه. ق، در ۹۳ سالگی بدرود حیات گفت، و در جنب پدر و جد بزرگوارش به خاک سپرده شد.

وفات

آن دانشمند بی نظیر، در اوج علم، فضل، فقه و ادب بود که ناگهان تند باد اجل، بهار وجودش را به دست خزان سپرد. و آن درخت تناور دانش، در اول صفر سال ۱۳۱۶ ه. ق به بیماری حصیه و حرارت کبد دچار شد، و در هشتم همان ماه، در ۴۳ سالگی داعی حق را لبیک اجابت گفت. عبرت نائینی می نویسد: «... جمعی از اهل خبرت و درایت را عقیده این است که بعضی از آن مغرضین عنود - حاسدان او - آن یگانه عالم وجود را مسموم و این راز را مکتوم داشتند، در هر حال، روح او از قفس تن و صحبت ناجنس که عذاب الیم است، به روضه رضوان و سرای جاویدان که نعم النعیم است انتقال و استقرار یافت. و آنان به خسران دنیا و آخرت دچار و گرفتار آمدند. و جسد مطهرش در مقبره والد ماجدش، واقع در صحن امامزاده حمزه، در حضرت عبدالعظیم مدفون گردید، رحمة الله علیه» [عبرت نائینی، تذکره مدینه الادب؛ محدث ارموی، مقدمه دیوان الطهرانی، لا].

مورخ بزرگ عباسقلیخان سپهر(ره) در ناسخ التواریخ - امام سجاد(ع) - پس از ذکر درگذشت آن فقیه بزرگوار می نویسد: «... مرغ روحش از این دار فانی به سوی باغهای آخرت باقی پرواز کرد، و دل‌های عالی و دانی بر این مرگ ناگهانی آبی آتش گرفت. و مردم در اندوه و گریه شدید واقع شدند، چه روزهای بسیاری که ما در خدمتش، از دریای کمالاتش بهره بردیم و از محاورات و مکالمات و گفتار نیکویش استفاده کردیم» [محدث ارموی، مقدمه دیوان الطهرانی، کب].

شاعر نامدار میرزا حسینعلی خان نوری، متخلص به «وفا» و دایی آن بزرگوار، در رباعش چنین سرود:

می رسد هر نفس از این فلک حادثه زا
حادثانی که کند هیبتشان کوه زجا
حاصل گردش گردون چه بود جز تفریق
غایت همت او فتنه و آشوب و جفا
صد چوهاروت و هو صد سامری از ساحری اش
سر زحیرت به بغل، رفته فرو در گل پا
بی فادش نفسی خلق جهان را نبود
تن در آسایش و جان فارغ و دل کام روا

هر زمان غائله دل شکر آرد به میان
هر نفس مامی آرد به میان جان فرسا
چون ابوالفضل جهان هنر و فضلی را
می کند صید اجل با همه اجلال و علا
آنکه در عهد جوانی به علوم ارزانی
شده آنسان که نه کس بود به عصرش همتا
آن که از تزکیه نفس شدش پاک ضمیر
رشک خورشید فلک با همه نور و ضیا
آن که در دوستی آل نبی جان در کف
داشت همواره پی نصرتشان بی پروا
«داعی حق به ابوالفضل ندا زد به بقا»
۱۳۱۶

منابع:

۱. امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت
۲. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعه، بیروت
۳. همو، کرام البرره فی القرن الثالث بعد العشره، مشهد
۴. همو، مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال، تهران
۵. همو، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر
۶. تهرانی، ابوالفضل، دیوان الطهرانی؛ مقدمه و تعلیقات سید جلال الدین محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۰
۷. همو، شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، قم
۸. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت
۹. شریف رازی، محمد، قم اختران فروزان ری و تهران
۱۰. همو، گنجینه دانشمندان، تهران، اسلامیه
۱۱. قمی، شیخ عباس، الکنی و الالقاب، تهران، کتابخانه صدر
۱۲. گروه نویسندگان، اثر آفرینان، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
۱۳. گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الامامیه، قم، مجمع الفکر الاسلامی
۱۴. گروه نویسندگان، نامه دانشوران ناصری، قم، دارالفکر
۱۵. مدرس خیابانی، میرزا محمد علی، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب، تهران
۱۶. نوری مازندرانی، ملا حسینعلی «وفا»، دیوان اشعار، تهران